

مجریان طرح پژوهش: دکتر لطف الله یارمحمدی، دکتر علی محمد حق شناس و دکتر رضا نیلی پور؛

فرهنگستان علوم در بدو تأسیس بعهده گرفت که گزارشی از وضع علوم در کشور تهیه کند. دانستن اینکه علم چه مقام و موقعی دارد و به آن چه اعتنا و اهتمامی می شود برای یک مرکز علمی که وظیفه آن ارتقاء سطح علم در کشور است ضروری می نمود به این جهت پیشنهاد شد گزارش هایی در باب وضع علوم تهیه شود و تصور می شد برای دانشمندان عضو فرهنگستان که هر یک در رشته تحصیلی و علمی خود سرآمدند تهیه این گزارشها کاری آسان است اما پیشنهاد به نحو دیگری تلقی شد. نظر اول این بود که به اجمال از وضع آموزش و پژوهش علوم و پیشرفت هر علم در قیاس با کشورهای دیگر اطلاعاتی به قصد تذکر فراهم شود.

به عبارت دیگر پیشنهاد این بود که دانشمندان هر رشته با نظر انتقادی به وضع پژوهش در رشته تخصصی خود نگاه کنند. پیشنهاد قبول شد، اما کار، درست به همان

۱. پیشینه زبان شناسی
 ۲. گروههای آموزش زبان شناسی
 ۳. آثار به چاپ رسیده (در زمینه زبان شناسی) از آغاز تاکنون
 ۴. زبان شناسی جدید و پیدایش نگرش علمی به زبان فارسی و نقش های آن
 ۵. زبان شناسی در برخورد با مسائل زبان فارسی و زبانهای قومی
 ۶. توصیه ها و پیشنهادهای دیگر.
- به عنوان نمونه ای از آنچه فراهم شده است، چندین صفحه از این رساله مفید را می آوریم:

پیشینه زبان شناسی پیشگفتار

زبان شناسی، به گفته زبان شناسان، به مطالعه علمی زبان انسان می پردازد؛ زبان نیز به گفته زبان شناسان، نظامی است ساخته شده از نشانه های آوایی که به کار ارتباط

بررسی وضعیت علم زبان شناسی در ایران

صورت که پیشنهاد شده بود انجام نگرفت زیرا گروههای علمی فرهنگستان بهتر آن دیدند که وضع رشته های دانشگاهی را به تفصیل مورد پژوهش قرار دهند. این تغییر از یک جهت مثبت بود. زیرا دیگر به فراهم آوردن اطلاعات اجمالی اکتفا نمی شد، بلکه می بایست به جزئیات هم پردازند. اما یک جنبه منفی نیز داشت که در بعضی موارد ظاهر شد. مشکل تبدیل گزارش اجمالی از وضع علم به پژوهش در وضع رشته تحصیلی این بود که احیاناً کلی و جزئی و مهم و بی اهمیت در یک ردیف قرار می گرفت و شأن انتقادی گزارش ضعیف می شد. با وجود این در گزارشهایی که اکنون در اختیار فرهنگستان است مطالب تحقیقی مهم کم نیست و به نظر می رسد که مطالعه این گزارشها برای همه برنامه ریزان علم و پژوهش مفید باشد. یکی از این گزارشهای تحقیقی دقیق را استادان شاخه زبان شناسی گروه علوم انسانی حضرات دکتر لطف الله یارمحمدی، دکتر علی محمد حق شناس و دکتر رضا نیلی پور تهیه کرده اند. این گزارش شامل مباحث:

انسانی و انتقال پیام می آید. بنابراین تعریف، زبان اولاً سرشتی آوایی دارد و ثانیاً نقشی ارتباطی. ولی زبان انسان به جز نقش ارتباطی خود، نقش های دیگری هم دارد. لذا، برخی از زبان شناسان، به ویژه آنان که از چشم اندازهای روان شناختی، جامعه شناختی، عصب شناختی، فرهنگی، فلسفی و یا ادبی به زبان نگریسته اند، تعریف بالا را بیش از اندازه محدود می بینند. این گروه از زبان شناسان برآنند که زبان پاره ای از شخصیت انسان و لذا جزئی از سرشت او نیز هست؛ یا گوشه ای از هستی جمعی او هم به حساب می آید؛ یا خانه فرهنگی انسان و سطح و ساحت هستی قومی و تباری یا جهانی او هم هست؛ یا مایه ای از شناخت و جهان بینی او نیز به شمار می آید؛ و با فضای آفرینشگری عرصه خلیفه الهی او هم قلمداد می شود. شک نیست که برای کسانی که از منظری سوازی زبان شناسی محض به زبان و مسائل آن می نگرند، همین چشم انداز گسترده است که می باید فراروی آنان قرار داده شود. برای اینان زبان به گونه ای که در تعریف زبان شناسان

محض می‌گنجد تنها نقطه آغاز می‌تواند باشد که هرچند لازم است، اما کافی نیست.

با این همه، برای شناخت همان چشم‌انداز گسترده، نخست باید به تلاش‌های زبان‌شناسان محض در جهت شناخت خود زبان، جدا از ملاحظات دیگر، پرداخت و آنگاه کوشید تا حاصل کار اینان را با دست آورده‌های روان‌شناختی، عصب‌شناختی، جامعه‌شناختی، فرهنگی، فلسفی و جز آن همراه کرد تا به مقصود نهائی دست یافت. تنها از این رهگذر است که می‌توان امید داشت که سرانجام به فهم درستی از نقش زبان در روند رشد فرد و جامعه و در تکوین علوم در قالب زبان‌های خاص هر یک و در رفع مسائل فلسفی به کمک دانش زبان و در دیگر سطوح حیات فکری آدمی راه برد.

هرچند که درست سی و شش سال از تاریخ تأسیس نخستین گروه زبان‌شناسی در دانشگاه تهران می‌گذرد، هنوز هم این علم نه به درستی در ایران شناخته شده و - اگر هم شناخته شده باشد - از آن در رفع کمبودهای مملکت در زمینه زبان چندان استفاده‌ای نشده است.

هرچند که درست سی و شش سال

از تاریخ تأسیس نخستین گروه

زبان‌شناسی در دانشگاه تهران می‌گذرد،

هنوز هم این علم نه به درستی در ایران

شناخته شده و - اگر هم شناخته شده

باشد - از آن در رفع کمبودهای مملکت در

زمینه زبان چندان استفاده‌ای نشده است

گواه صدق مدعای نخست را، از جمله، در این واقعیت می‌توان دید که حتی در میان فرهیختگان ایران هم زبان‌شناسی را اغلب با زبان‌دانی، با تاریخ و تحول زبانها به ویژه زبان‌های باستانی، با آموزش زبان‌های خارجی، با دستورنویسی، با فرهنگ‌نویسی، با روش گردآوری گویش‌ها، و یا با برنامه‌ریزی زبان عوضی می‌گیرند. حال آنکه زبان‌شناسی همگانی، در معنای دقیق آن، هیچ یک از اینها نیست - گو آنکه صلاحیت پرداختن به همه اینها را نیز داشته باشد - بلکه، بیش و پیش از هرچیز دیگر، صرفاً مطالعه علمی زبان است؛ یعنی می‌کوشد پدیده زبان را، به عنوان بخشی از حیات و هستی آدمی، بدان گونه که هست طرح و تحلیل کند و بشناسد و توصیف نماید.

گواه صدق مدعای دوم، یعنی عدم استفاده بجا از زبان‌شناسی در ایران، را نیز می‌توان، از جمله در واکنش‌های حیرت‌انگیزی دید که در برابر هر پیشنهادی به منظور تدوین دستور زبانی نوین برای زبان فارسی نشان داده می‌شود؛ واکنش‌هایی، از این قبیل که، خوب، مگر دستور زبان میرزا عبدالعظیم خان قریب چه عیبی دارد که حالا می‌خواهید دستور زبان تازه‌ای برای فارسی بنویسید!

اینکه دستور زبان میرزا عبدالعظیم خان و نظایر آن چه شأن و موقعیتی دارد نکته‌ای است که در آخر این گزارش خود به خود معلوم می‌شود. در اینجا باید متذکر این نکته شد که ما در شرایطی شاهد این چنین برخوردها با زبان‌شناسی هستیم که هنوز برای انبوه بی‌شمار مشکلات و مسائل و کمبودها و نیازهای زبانی این مملکت فکری اساسی نکرده‌ایم.

اکنون با توجه به این مقدمات، به سیر تکوینی و تحولی زبان‌شناسی یا مطالعه زبان از آغاز تاکنون چه در جهان و چه در فرهنگ ایرانی - اسلامی به اجمال نظر می‌کنیم و گرایش‌ها و نقطه نظرهای هر دوران را نسبت به زبان و ماهیت آن بررسی می‌کنیم و سپس به فعالیت‌ها و عملکردهای زبان‌شناسی در ایران از آغاز تأسیس تاکنون نظری می‌افکنیم.

بررسی‌های زبان‌شناختی از فن تا علم

بررسی‌های زبانی از آغاز تا پیدایش زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی در قرن نوزدهم بیشتر از سنخ فنون بوده است و از آن تاریخ به بعد رفته رفته به ویژگی‌های علم آراسته شده و سرانجام، با پیدایش زبان‌شناسی همگانی در آغاز قرن بیستم و در طول تحول این رشته نوین، اندک اندک به جرگه علوم درآمده است.

بد نیست همین جا اضافه کنیم که این مطلب تنها در چارچوب مباحثی می‌تواند معنی داشته باشد که طی چند سال گذشته در باب ماهیت علم و پژوهش‌های علمی و شرایط تحقیق علمی و تحقیق در ایران در جلسات فرهنگستان علوم دنبال می‌شده است. وگرنه، اثبات علم بودن یا فن بودن بررسی‌های زبانی به عنوان گوشه‌ای از تلاش‌های فکری آدمی، به خودی خود، مفید فایده چندان نیست. در این بررسی امید آن است که بتوانیم از این رهگذر نشان دهیم چه ویژگی‌هایی باید در یک زمینه پژوهشی فراهم شود تا بتوان به حاصل بررسی‌ها در آن زمینه نام علم نهاد.

خلاف واقع نیست اگر بگوییم بررسی‌های زبانی، همانند پژوهش‌های دینی و ادبی، از زمره کهن‌ترین و پرباقعه‌ترین مشغله‌های فکری آدمی بوده است و پیشینه



تشدید کرد. در مصر باستان بیشتر مسائل کشورداری، نظیر ثبت و ضبط مهمات امور و برقراری ارتباط با اقوام و ملل بود که موجبات روی آوردن به بررسی‌های زبانی را فراهم آورد.^۶ در چین و یونان باستان، آنچه پژوهش‌های زبانی را موجب شد ضرورت حفظ و آموزش آثار ادبی بود؛^۷ گرچه در یونان باستان، گذشته از نیازهای ادبی، مسائل سیاسی و فلسفی نیز، هر یک جداگانه، موجب گرایش متفکران به پژوهش در زمینه زبان شده است.^۸ مسائل سیاسی هنگامی در یونان باستان به رواج بررسی‌های زبانی کمک کرد که زمام امور کشور از کف اشراف به دست کسانی افتاد که آمادگی هدایت چنان امری را نداشتند؛ و این سبب شد تا جماعتی با نام سوفیست^۹ کمر به آموزش نودولتان، به ویژه در امر سخنوری و زبان‌آموزی و لذا زبان‌دانی، ببندند. از طرف دیگر، مباحث فلسفی هنگامی سر از بررسی‌های زبانی درآورد که سقراط و یا افلاطون و بعدها، ارسطو و زنون^{۱۰} به طرح سؤلهایی از این قبیل پرداختند که آیا روابط موجود در زبان، مثلاً رابطه صورت و معنی، روابطی طبیعی‌اند یا قراردادی؛ یا آیا زبان رو به قیاس‌پذیری دارد یا قیاس‌گریزی؛ و مانند اینها.

ویژگی مشترک و بارز این قبیل بررسی‌های زبانی در همه فرهنگ‌ها، به هر حال، این است که بلافاصله پس از فراهم آمدن ابزار لازم برای رفع مشکلات موجود در زمینه‌های دین و ادبیات و سیاست و یا فلسفه، خود این بررسی‌ها یک سره متوقف شده‌اند؛ و از آن به بعد، یا باب آنها به کلی بسته شده است و خود به تاریخ و گذشته پیوسته‌اند - چنانکه در مصر اتفاق افتاد - و یا، اگر باب آنها همچنان باز مانده است، به صورت سنتی مستقر و مستدام از نسلی به نسلی منتقل شده‌اند، بی‌آنکه کمتر پیشرفتی یا حتی کمتر تغییری در آنها پیدا شده باشد؛ و این همان است که در هند و در جهان اسلام و تا حدودی در یونان و روم رخ داد. در این جوامع، حتی اگر نوآرانی هم بعدها پدید آمده‌اند و حرف تازه‌ای نیز درباره زبان مطرح کرده‌اند، حرف‌های تازه آنان به ندرت به درون سنت‌ها رخنه کرده و جزئی از آنها شده است. چنانکه، فی‌المثل ملاحظات زبانی بسیار دقیق و درست ابن‌سینا و خواجه نصیرالدین طوسی به زحمت در پیکره سنت‌های پذیرفته شده و متداول در کتب درسی جایی پیدا کرده است.

پس عجیب نیست اگر می‌بینیم در هند هیچ دست‌نویس پیشگام دیگری پس از پانینی راه تازه‌ای باب نکرده است که تداوم یابد؛ یا در جهان اسلام کمتر نوآوری پس از سیبویه نظری تازه آورده است که دنبال شده باشد؛ و در یونان باستان پس از دیونوسیوس تراکیایی^{۱۱} و آپولونیوس دیسکولوس^{۱۲} هیچ کسی سخن تازه‌ای نگفته

این بررسی‌ها به پیش از تاریخ - یعنی به پیش از پیدایش خط - بازمی‌گردد. یک دلیل درستی این مدعا همانا چگونگی تکوین خط از مرحله اسطوره بنیاد تصویرنگاری^۱ به مرحله زبان بنیاد اندیشه‌نگاری^۲ و آنگاه هجانگاری^۳ و، سرانجام خط الفبایی^۴ است.

نکته درخسور توجه در این میان آن است که بررسی‌های زبانی در همه فرهنگ‌ها، به گواه همه اسناد و مدارکی که در دست است، به منظور رفع مشکلات در زمینه‌های دیگر آغاز شده‌اند. مشکلات مزبور در مجموع یا به زمینه دین تعلق داشته‌اند، یا به زمینه‌های ادبیات، فلسفه و یا سیاست. در هند و در تمدن اسلامی، مشکلات دینی به ویژه در امر حفظ اصالت و صحت کتاب‌های مقدس بود که پژوهندگان را به بررسی‌های زبانی برانگیخت؛^۵ گرچه بعدها مسئله تبلیغ و اشاعه پیام آسمانی نیز ضرورت پرداختن به این قبیل بررسی‌ها را

حتی در میان فرهیختگان ایران هم زبان‌شناسی را اغلب با زبان‌دانی، با تاریخ و تحول زبانها به ویژه زبان‌های باستانی، با آموزش زبان‌های خارجی، با دستورنویسی، با فرهنگ‌نویسی، با روش گردآوری گویش‌ها، و یا با برنامه‌ریزی زبان عوضی می‌گیرند

است که تداول یابد. در همه این جوامع آنچه پس از این قتل شامخ مجال و میدان یافته خلیل شارحان مختصر و مفصل نویس و منظومه پرداز است و انبوه رسائل و جزوات درسی که همگی به پاس حفظ سنت‌های صرفی و نحوی جا افتاده و به منظور انتقال آنها از نسلی به نسلی دیگر فراهم آمده‌اند. از اینجا به بعد، دستور زبان در همه این جوامع، در کنار منطق و فنون بلاغی، به صورت مدخل یا بخش مقدماتی برنامه‌های آموزشی درآمده است.

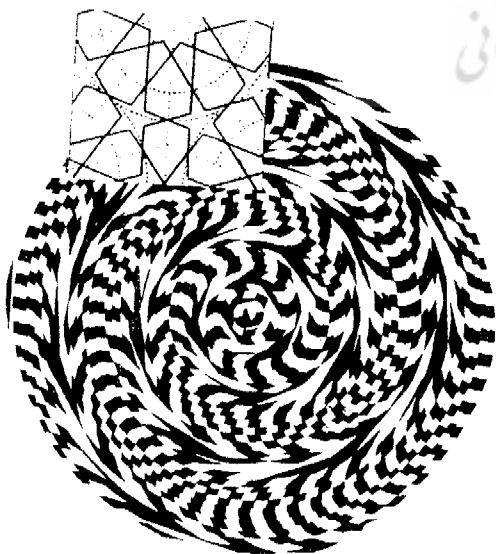
باری، در این قبیل بررسی‌های زبانی عموماً ویژگی‌هایی به چشم می‌خورد که توجه به آنها از نظر موضوع بحث ما ضرورت دارد. از جمله آن ویژگی‌ها یکی این است که هدفی که در آنها دنبال می‌شود شناخت خود زبان نیست؛ بلکه، همان‌گونه که گفتیم، حل مشکلات عملی یا نظری در زمینه‌های دیگر است. به عبارت دیگر، این نوع بررسی‌ها عموماً جنبه کاربردی دارند و نه نظری. دیگر آنکه بررسی‌های مزبور، همان طور که یاد شد، پس از رفع مشکلات موجود در زمینه‌های دیگر، از پویش باز می‌مانند و به شکل مجموعه‌ای از سنت‌های استانده تداول می‌یابند. سوم آنکه این قبیل بررسی‌ها، به صرف آنکه در پی مقاصد گوناگونی، آن هم در زمینه‌های دیگر هستند ناگزیر از روش یگانه و مشخصی که متناسب با سرشت زبان باشد استفاده نمی‌کنند. چهارم اینکه، چون در این نوع بررسی‌ها شناخت خود زبان در نظر نیست بلکه رفع مشکلات غیر زبانی در نظر است، خواه ناخواه، دانشی نیز که از آن رهگذر درباره زبان حاصل می‌شود ضرورتاً فراگیر و منظم و تمام و تمام نیست بلکه دانشی است محدود، پراکنده و عمدتاً معطوف به آن بخش‌های زبان می‌باشد که با مشکلات غیر زبانی رابطه دارند.

اکنون ناگفته روشن است که دانشی با این خصوصیات را به هیچ روی نمی‌توان از جنس و سنخ علم در معنای دقیق کلمه به شمار آورد؛ چرا که در علم، در درجه اول، شناخت موضوع مطرح است و نه حل مسائلی که عموماً به خود موضوع تعلق ندارند. وانگهی علم هرگز از پویش باز نمی‌ماند و به سنت‌های ایستا نمی‌پیوندد و تا موضوع آن در تحول است و آن موضوع از نظرگاه‌های مختلف بررسی می‌شود و نتایج نظرگاه‌های گوناگون رو به روی هم قرار می‌گیرند، خود آن نیز پویا و پرتحرک و بالنده برقرار می‌ماند. از این گذشته، علم، به صرف آنکه معطوف و متوجه و متعهد به موضوعی یگانه است، ناگزیر بیشتر از روش‌هایی بهره می‌جوید که به کار شناخت آن موضوع می‌آیند و پیداست که شناختی نیز که از این رهگذر حاصل می‌شود شناختی، حتی الامکان،

هدف زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی، برخلاف بررسی‌های زبانی پیشین، شناخت جنبه‌هایی از خود زبان است و نه رفع این یا آن مشکل در خارج از حوزه زبان

فراگیر، منظم و معطوف به کل موضوع است و نه به گوشه‌هایی از آن.

با این تفصیل، خلاف واقع نیست اگر در پرتو مطالب بالا نتیجه بگیریم که بررسی‌های زبانی، از آن نوع که تاکنون گفتیم، بیشتر از سنخ فنون‌اند تا از جنس علوم. گرچه باید بی‌درنگ اضافه کنیم که این احکام درباره آن چه در حوزه فلسفه در باب زبان صورت بسته است تا بدین حد صادق نیست. چرا که پژوهش‌های زبانی در حوزه فلسفه، هر چند هدفی سواي شناخت خود زبان داشته‌اند، آنهم با روشی که مختص فلسفه بوده است و هر چند نتایج حاصل از آن پژوهش‌ها را نمی‌توان جامع و منظم و فراگیر قلمداد کرد، لاقلاً خود از پویش نیفتاده‌اند؛ بلکه از دیرباز - یعنی از روزگار سقراط و افلاطون و ارسطو و زنون - تا زمانه ما همچنان تداوم و تحول یافته‌اند. این قبیل بررسی‌ها در طول قرون وسطا در قالب پژوهش‌های



نظر پردازانه اصحاب وجه دنبال شده‌اند و در دوران نوزایی و عصر جدید نیز در هیأت دستور زبان‌های فلسفی^{۱۳} مدارس پورت رویال^{۱۴} یا رساله‌های مختلف در باب منشأ زبان ادامه داشته‌اند و اکنون نیز به صورت‌های مختلف در حوزه‌های منطق و فلسفه تحلیلی و زبان‌شناسی همگانی پیش می‌روند^{۱۵}.

پیدایش

زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی

آنچه تاکنون دیدیم تصویری کلی، و البته بی‌رنگ، از کل بررسی‌های زبانی از آغاز تا شروع زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی در آغاز قرن نوزدهم بود. زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی، همان‌طور که می‌دانیم، با کشف زبان سانسکریت و شباهت‌های خانوادگی آن با زبان‌های اروپایی و با زبان‌های ایرانی آغاز شد و هدف آن، از یک طرف، کشف قواعد ناظر بر تحولاتی بود که به زایش و تکوین زبان‌های گوناگون از دل زبانی یگانه انجامیده بود و از طرف دیگر، بازسازی زبان مفروضی بود که خاستگاه همه زبانهای هند و اروپایی محسوب می‌شد. پس می‌بینیم که هدف زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی، برخلاف بررسی‌های زبانی پیشین، شناخت جنبه‌هایی از خود زبان است و نه رفع این یا آن مشکل در خارج از حوزه زبان. از این گذشته، زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی در زمانی آغاز شد که نگرش تحقیقی و روش تجربه‌گرایی بر کل حوزه‌های علمی سلطه بلامنزاع داشت و همین روش و نگرش نیز ناگزیر در حوزه زبان‌شناسی به کار گرفته شد. با این حساب، منطقی است که زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی را، دست کم از نظر هدفی که در آن دنبال می‌شود و همچنین از نظر روشی که در آن به کار گرفته می‌شود، در زمره علوم قرار دهیم؛ گو آنکه از جهات دیگر می‌توان پایگاه علمی آن را زیر سؤال برد. چه، در زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی به جای آنکه خود زبان را مورد شناخت قرار دهند در صدد بازسازی گذشته و تاریخ آن برمی‌آیند و این در حالی است که در هیچ علم دیگری پیشینه موضوع را بازسازی نمی‌کنند، بلکه خود آن را می‌شناسند و توصیف می‌کنند. از این گذشته، رهیافت زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی به زبان رهیافتی ذره‌بنیادانه^{۱۶} است و نه نظام‌وار^{۱۷} و کل‌گرایانه^{۱۸}. و این بدان معنی است که در این حوزه به جای آنکه کل زبان را موضوع شناخت قرار دهند و برای آن به طرح پرهیب یا نگاره‌ای^{۱۹} کلی اهتمام ورزند، گاه فقط یک کلمه یا حتی یک صدای زبان را به مطالعه می‌گیرند و تحول آن کلمه یا صدا را از زبانی به زبان دیگر دنبال می‌کنند و این نیز با روند رایج در علوم دیگر البته فرق دارد.

آغاز زبان‌شناسی همگانی

نکات اخیر از جمله مطالبی بود که برای نخستین بار فردینان دو سوسور^{۲۰} متذکر شد و با طرح آنها زمینه را برای تأسیس علمی جدید که خود آن را زبان‌شناسی همگانی نامید آماده ساخت. سوسور مدعی شد که اگر قرار است زبان‌شناسی نیز همچون علوم دیگر عمل کند، باید نخست به خود زبان بدان گونه که هست بپردازد، و تنها پس از آنکه خود زبان را در وضع موجودش شناخت و توصیف کرد، آنگاه می‌تواند به تاریخ آن نیز توجه کند. سوسور همچنین یادآور شد که زبان نظام پیچیده ولی یگانه‌ای است ساخته شده از واحدهایی معین که طبق قاعده و در سطوح مختلف با هم ترکیب شده‌اند؛ و کار زبان‌شناس، در درجه اول، آن است که همین نظام را بررسی کند و پس از شناخت فراگیر و هرچه تمام‌تر آن، به توصیف آن در هیأت انگاره‌ای منظم و منسجم همت گمارد.

پیداست که سوسور از این رهگذر هر دو ایرادی را که

سوسور یادآور شد که کار زبان‌شناس، در درجه اول، آن است که نظام زبان را بررسی کند و پس از شناخت فراگیر و هرچه تمام‌تر آن، به توصیف آن در هیأت انگاره‌ای منظم و منسجم همت گمارد

بر زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی وارد بود از میان برداشت و با این کار زبان‌شناسی نوین را به سوی جایگاه یک علم تمام عیار پیش راند؛ علمی که در چارچوب نظریه‌ای روشن و با استفاده از روش‌های علمی معین و پذیرفته شده زمانه به شناخت موضوعی مشخص می‌پرداخت و از آن در واپسین گام انگاره‌ای منظم و منسجم به دست می‌داد. با این همه، میان زبان‌شناسی نوین بدان گونه که سوسور آن را طرح ریخت، از یک طرف و یک علم تام و تمام، از طرف دیگر، هنوز فاصله بود. چه سوسور فقط توانسته بود چارچوبی نظری از نوعی به دست دهد که در محدوده آن زبان‌های مختلف را جدا جدا بتوان طرح و

زمینه جهانیهای زبان^{۲۱} و تأسیس دستور زبان جهانی^{۲۲} را دوباره باز کرد و با این کار زبان‌شناسی نوین را تا پایگاه یک علم طراز اول بالا برد. علمی که می‌کوشد به شناخت درستی نسبت به گوشه‌ای از جهان واقع در سطحی عام و جهانی راه برد.

راهی که چامسکی برای رفع نقیصه مورد بحث پیش گرفته نه راهی آسان است و نه کوتاه. تازه چامسکی هنوز به آخر این راه نرسیده است؛ گو آنکه در این ماجرا از همراهی گروه کثیری از همکاران و شاگردانش برخوردار بوده است. اکنون بیش از چهل سال است که چامسکی در این راه گام برمی‌دارد. در ظرف این چهل سال، چندین بار در حاصل تلاش‌های خود تجدید نظر اساسی کرده و آن را زیر و رو ساخته است.

چامسکی نخستین تحریر از نظریه خود را در قالب کتاب **ساختهای نحوی**^{۲۳} به دست می‌دهد. در این کتاب، نخست به نارسایی‌های موجود در آرای زبان‌شناسان پیش از خود اشاره می‌کند و از جمله می‌گوید سعی زبان‌شناسان عمدتاً صرف تهیه روال‌های کشف و شیوه‌های توصیفی عالمانه زبان شده است و نه صرف تهیه و تدوین نظریه‌ای درباره خود زبان. آنگاه به طرح چند نظریه ممکن در باب زبان می‌پردازد و آنها را یک به یک نقد می‌کند و ضعف هر یک را نشان می‌دهد و ثابت می‌کند که هیچ یک نمی‌توانند انگاره درستی از زبان به دست دهد و در آخر، نظریه بر ساخته خود را با نام دستور گشتاری-زایشی^{۲۴} طرح و شرح می‌کند.

چامسکی دومین تحریر از نظریه خود را در کتاب **جنبه‌های نظریه نحو**^{۲۵} مطرح می‌سازد. در این کتاب است که به تصریح از ذاتی بودن زبان یاد می‌کند و آن را در زمره توانش‌های ذهن آدمی به شمار می‌آورد و در مطالعه آن، استفاده از ششم زبانی^{۲۶} را مجاز می‌انگارد و برای آن انگاره‌ای متشکل از سه بخش نحوی^{۲۷} و آوایی (واج‌شناختی)^{۲۸} و معنایی (معناشناختی)^{۲۹} پیشنهاد می‌کند و بخش نحو را بر ساخته از یک ژرف ساخت و یک رو ساخت معرفی می‌نماید و ژرف ساخت را متشکل از قواعد سازه‌ای و واژگان می‌گیرد و رو ساخت را برآمده از قواعد گشتاری می‌داند. همین نظریه است که به عنوان نظریه استاندارد^{۳۰} برای مدتی نسبتاً طولانی بلامنازع می‌نماید و قبول عام می‌یابد.^{۳۱}

سومین تحریر از نظریه چامسکی در مقاله‌ای به نام «اشاراتی در باب نام‌گردانی»^{۳۲} به اجمال تمام و به صورت طسرح واره‌ای پژوهشی به دست داده می‌شود. در این تحریر، چامسکی بر اهمیت واژگان در نظام زبان تأکید می‌کند و مجموعه‌ای از قواعد زبانی را که عمدتاً مختص واژه‌سازی‌اند از بخش نحو به همین بخش واژگان منتقل

چامسکی باب تحقیق در زمینه

جهانیهای زبان و تأسیس دستور

زبان جهانی را دوباره باز کرد و با این کار

زبان‌شناسی نوین را تا پایگاه یک علم

طراز اول بالا برد - علمی که می‌کوشد

به شناخت درستی نسبت به گوشه‌ای

از جهان واقع در سطحی عام و جهانی راه برد

توصیف کرد. اما امکان آنکه در آن چارچوب، مطلق زبان را در سطحی فراگیر و جهانی به عنوان یک پدیده انسانی، بتوان بررسی و توصیف نمود هنوز فراهم نشده بود و پیداست که طرح و توصیف جدا جدا زبان در قالب انگاره‌های متنوع و متفاوت درست مثل آن است که ما، مثلاً در زمینه جانورشناسی، برای حیوانات هر جنگی توصیفی جداگانه در هیأت انگاره‌ای مستقل به دست دهیم و این بی‌گمان خلاف سرشت عام و جهان شمول احکام علمی است؛ گیریم که این قبیل توصیف‌ها و انگاره‌ها از هر لحاظ دیگر درست و منسجم و قابل دفاع باشد.

انقلاب چامسکی و علم زبان‌شناسی

باری، رفع این نقیصه از زبان‌شناسی نوین به دست نوآم چامسکی صورت گرفت. چامسکی باب تحقیق در



می‌سازد و برای ساخت‌های نحوی طرحی تازه پیش می‌نهد؛ طرحی که اکنون به نام ایکس تیره^{۳۳} شناخته شده است. از رهگذر همین تحریر است که توجه زبان‌شناسان بار دیگر به مسائل ساخت‌وازی (صرفی) معطوف شده و باب بررسی‌های ساخت‌وازی در حوزه زبان‌شناسی باز شده است.

چامسکی چهارمین تحریر از نظریه خود را عمدتاً در دو کتاب به نام‌های *در باب حاکمیت و وابستگی*^{۳۴} و *دانش زبان*^{۳۵} به دست می‌دهد و آن را نظریه حاکمیت و وابستگی^{۳۶} نام می‌نهد. این نظریه متشکل از پیمانانه‌هایی^{۳۷} چند است و هر پیمانانه حاوی اصول و شاخص‌هایی^{۳۸} است که به کار توصیف بخشی از نظام زبان می‌آید. جالب است که چهارمین تحریر نظریه چامسکی نیز هم‌اکنون دستخوش تغییر شده و منجر به پیدایش نظریه جدیدی با عنوان نظریه «مینیمالیست» شده است.

در تمام این مراحل، سعی چامسکی بیش از هر چیز صرف کشف جهانی‌های زبان شده است بدان مقصود تا آن همه را در تدوین یک دستور زبان جهانی به کار برد؛ دستور زبانی که بتوان از آن به عنوان نظریه‌ای عام برای مطلق زبان بشری در گسترده‌ترین مفهوم آن نام برد. بدیهی است که با دستیابی به چنان نظریه‌ای است که زبان‌شناسی می‌تواند از همه جهات به یک علم تام بدل شود. از قرائین چنین پیداست که از آن نقطه که چامسکی اینک در آن ایستاده است تا بدان مقصد عالی راه کوتاهی نیست.

نقش‌گرایی و تجزیه و تحلیل گفتمان

جستجو در دست‌یابی به نظریه‌ای عام در ساز و کار زبان به مفهوم گسترده آن تنها به چامسکی و پیروان او محدود نمی‌شود. مکتب‌ها و نگره‌های گوناگونی در زبان‌شناسی جدید پا به عرصه وجود گذاشته‌اند و هر یک سعی دارند زبان را به شیوه علمی خاص مورد بررسی قرار دهند. از جمله، در مقابل صورت‌گرایی محققان وابسته به نظریه‌های چامسکی، از وابستگان اردوگاه نقش‌گرایی در نحله‌های گونه‌گون آن که به خصوص در دو دهه اخیر پیشرفت‌های فراوانی داشته‌اند می‌توان نام برد. نقش‌گرایان به این نکته تکیه دارند که زبان در خلاء نشو و نما نمی‌کند، بلکه در برخوردهای اجتماعی اهل زبان با عنایت به وظیفه‌ای که در موقعیت‌های مختلف برعهده دارد شکل می‌گیرد. صورت و کاربرد زبان را نمی‌توان از یکدیگر مجزا کرد و نقش زبان نیز تابعی است از عوامل پیچیده تاریخی و فرهنگی و اجتماعی و نیازهای فردی اهل زبان. از این رو، نظریه‌های عام و علمی زبان را نیز باید در

رهگذر بررسی روابط و تعامل زبان و فرهنگ و عوامل اجتماعی جستجو کرد. در این بررسی، تنها به سطح جمله نباید اکتفا کرد، آن طور که مشرب پیروان چامسکی است. بلکه تبلور واقعی زبان در ارائه پیام و کل گفتمان است. در این راستا زبان‌شناسی جدید پیشرفت‌های حیرت‌انگیزی کرده است که طبعاً در اینجا مجال بحث آن نیست.

بررسی‌های زبانی در جهان اسلام و ایران

اکنون اگر در پرتو آنچه بیان شد نگاهی گذرا به بررسی‌های زبانی در ایران از آغاز تا زمانه خودمان بیندازیم، می‌توانیم آشکارا ببینیم که سهم ایران در پیشبرد و تکمیل این قبیل بررسی‌ها در جهان اسلام سهمی به راستی شکوهمند و غرورآفرین بوده است. در این باره فقط کافی است یادآور شویم که سیبویه، یعنی کسی که بررسی‌های زبانی جهان اسلام را با نگارش اثر بلندآوازه خود، *الکتاب*، به اوج کمال رسانید، از این سرزمین برخاسته است. با وجود *الکتاب*، ظاهراً عمده اسباب لازم

آنچه پس از کتاب در جهان اسلام

صورت می‌بندد، همان انبوه کتاب‌های درسی

و خیل شروح و تفاسیر و رسائل و آثار دیگر از

همین دست است و این همچنان می‌پاید

تا به دوران معاصر می‌رسیم

و با ضرورت تدوین کتابی در زمینه

دستور زبان فارسی روبه‌رو می‌شویم.

برای آنکه زبان کتاب آسمانی قرآن از گزند روزگار و افت دیگرگونی‌های ناشی از گذشت زمان مصون بماند، یکجا فراهم شده است. چه، پس از آن، دیگر شاهد پیشرفت عمده و ماندگار در بررسی‌های زبانی در جهان اسلام نیستیم؛ و اگر کسی هم سخن تازه‌ای در این زمینه آورده است، سخن او - همان طور که گفتیم - در نگرفته و در برنامه‌های درسی حوزه‌ها تداول نیافته است. آنچه پس از *الکتاب* در جهان اسلام صورت می‌بندد، همان انبوه کتاب‌های درسی و خیل شروح و تفاسیر و رسائل و آثار دیگر از همین دست است و این همچنان می‌پاید تا به دوران معاصر می‌رسیم و با ضرورت تدوین کتابی در زمینه دستور زبان فارسی روبه‌رو می‌شویم.

منظور دارد. نخستین نشانه‌های نگرش علمی در بررسی‌های زبان فارسی و دستور زبان فارسی را در نوشته‌های دکتر خانلری، در این دوران، مشاهده می‌کنیم.

آغاز زبان‌شناسی جدید در ایران

در بجه‌چنین وضعی است که زبان‌شناسی جدید وارد معرکه می‌شود؛ و برای آنکه ببینیم ورود زبان‌شناسی جدید به عرصه بررسی‌های زبانی مستضمن چه دیگرگونی‌ها و چه پی‌آمدهایی است، کافی است به یاد بیاوریم که اصل اول در پژوهش‌های زبان‌شناختی همانا این است که هر زبانی را باید به طور مستقل و جدا از هر زبان دیگری تحلیل و توصیف کرد و دستور هر زبانی را باید منحصرأ برای همان زبان و متناسب با ساختارهای واقعی آن نوشت و در این جا باید از تحمیل مقولات و قواعد و انگاره‌های یک زبان بر زبانی دیگر جدا پرهیز نمود. درست است که هدف نهایی زبان‌شناسی جدید دست یافتن به یک دستور زبان جهانی است، اما از یاد نباید برد که به این هدف هنگامی می‌توان رسید که برای هر زبانی توصیفی مستقل، دقیق و دمساز با واقعیات همان زبان فراهم شده باشد. چه، تنها از این رهگذر است که می‌توان به وجوه تشابه و وجوه اختلاف زبانهای بشری راه برد.

از این چشم‌انداز، طبیعی است اگر می‌بینیم سعی زبان‌شناسان فارسی زبان همواره بر آن بوده است که زبان فارسی را چنان توصیف کنند که هست و نه آنکه تداوم بخش سنت صد ساله‌ای باشند که ناسنجیده جایگزین تحلیل و توصیف مستقل فارسی شده و نااندیشیده تاکنون تداوم یافته است. نیز از این چشم‌انداز عجیب نیست اگر می‌بینیم زبان‌شناسان، که به صرف تازه وارد بودن جای پای چندان محکمی در مجامع علمی ندارند و در عین حال، نمی‌توانند مهر تأیید بر سستی در زمینه دستورنویسی در فارسی بگذارند که بیشتر یک «ناسنت» است تا سنت راستین، به طرز روزافزون از حوزه بررسی‌های زبان فارسی پس رانده شده‌اند و عموماً در خدمت آموزش زبان‌های بیگانه قرار گرفته‌اند. اینک چنین اتفاقی در جامعه‌ای افتاده که با انواع مسائل زبانی دست و پنجه نرم می‌کند خود مسأله‌ای دیگر است.

اکنون اگر بخواهیم به ارزش‌یابی کارهایی بنشینیم که زبان‌شناسان ایرانی تا به امروز انجام داده‌اند، انصاف حکم می‌کند که وضعیت بالا را از نظر دور نداریم. چه، تنها هنگامی که کارهای انجام شده زبان‌شناسان را در متن موقعیت بالا قرار می‌دهیم متوجه می‌شویم که خدمات آنان به هیچ روی ناچیز نبوده است، گو آنکه در سنجش با آن چه می‌توانست در شرایط مطلوب انجام شود، البته،

در جریان پاسخ‌یابی به همین ضرورت تازه است که دستوربان ما به یکی از عجیب‌ترین کج راه‌ها در زمینه‌های علمی و آموزشی در ایران کشانده می‌شوند. چه درست در همین جاست که با کمال تعجب می‌بینیم پیشگامان دستورنویسی در زبان فارسی به جای آنکه، مثل نخستین دستوربان در قرون آغازین اسلام یا مثل زبان‌شناسان جدید، خود کمر همت به میان بینندند و از رهگذر تحلیل زبان فارسی و بررسی مستقیم آن به تدوین دستور زبانی مناسب برای آن بپردازند، ناسنجیده به ترجمه دستور زبان‌های اروپایی، یا حداکثر به گرده‌برداری از آنها، دست می‌برند و نادانسته مقولات و قواعد زبان‌های دیگر را بر زبان فارسی تحمیل می‌کنند و متوجه نمی‌شوند که با این کار زبان فارسی و فارسی‌زبانان را به چه بی‌راه‌های می‌کشانند. شگفت آنکه این شیوه دستورنویسی تداوم می‌یابد و تا زمانه ما می‌یابد و هر روز نیز ریشه‌دارتر می‌گردد و از دل آن انبوه دستور زبان‌های موجود و مشهور فارسی پدید می‌آید و متوجه

آثار شادروان دکتر پرویز ناتل خانلری تا

حدود زیادی موفق شد از صرف

گرده‌برداری از دستور زبان‌های اروپایی

فاصله بگیرد و ذات و سرشت و ساخت و

قواعد زبان فارسی را هم در پژوهش‌های

خود، کم یا بیش، منظور دارد

نمی‌شوند که در این ماجرا چه ستمی بر زبان فارسی رفته است و چه جامعه عاریتی بر تن این زبان راست کرده‌اند و ناگزیر هیچ کس هم معترض این وضع دور از روال نمی‌گردد بلکه، برعکس، همگان چنان به این وضع عادت می‌کنند که می‌انگارند سنت اصیل دستورنویسی در فرهنگ ما واقعاً همین است و لاغیر. این سنت سابقه‌اش به حدود صد سال می‌رسد. البته انصاف حکم می‌کند که در این ماجرا حساب بعضی آثار را در این دوران جدا نگاه داریم: آثار شادروان دکتر پرویز ناتل خانلری تا حدود زیادی موفق شد از صرف گرده‌برداری از دستور زبان‌های اروپایی فاصله بگیرد و ذات و سرشت و ساخت و قواعد زبان فارسی را هم در پژوهش‌های خود، به کم یا بیش،

چندان چشمگیر جلوه نکند.

پی‌نوشت‌ها و منابع:

شناسی، دکتر مهدی مشکوة‌الدینی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۳، به ویژه فصلهای دهم و یازدهم و برای آگاهی بیشتر درباره مبانی فکری و فلسفی آرای چامسکی، نگاه کنید به درباره چامسکی، دکتر بهروز عزیدفتری، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۷۲.

32. "Remarks on Nominalization" in R. Jacobs & P. R. Rosenbam (eds.) Readings on English Transformational Grammar, Waltham, Gim & Co, 1970.

33. X-bar Theory برای آگاهی بیشتر درباره این نظریه نیز نگاه کنید به سیر زبان شناسی، فصل شانزدهم.

34. Lectures on Government and Binding, Dordrecht, Foris, 1981.

35. Knowledge of Language: its nature, origin and use, New York, Praeger, 1986.

36. Government - Binding Theory. برای آگاهی بیشتر درباره این نظریه نیز نگاه کنید به سیر زبان شناسی، فصل شانزدهم.

37. Modules، در نظریه حاکمیت و وابستگی چنین فرض می‌کنند که نظام زبان از زیرنظام‌هایی چند تشکیل شده است و هر یک از آن زیرنظام‌ها به طور مستقل عمل می‌کند. هر زیرنظامی را یک پیمانه و کل نظام را نظامی پیمانه‌ای (Modular) به حساب می‌آورند. نیز نگاه کنید به فرهنگ زبان شناسی و آواشناسی. دیوید کریستال، انتشارات بلاک ول، ویرایش سوم، چاپ ۱۹۹۳، ذیل مدخل modularity (پیمانگی).

38. Principles and parameters

1. Pictographic writing

2. Ideographic (logographic) writing

3. Syllabic witing (syllabery)

4. Alphabetic writing

۵. تاریخ مختصر زبان شناسی، آر. اچ. روبنیز ترجمه علی محمد حق شناس، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۳، چاپ دوم، ص ۲۱۵-۲۱۲؛ ۲۹۱-۳۱۹.

۶. تاریخ خط، آلبرتین گاور، برگردان عباس مخبر-کوروش صفوی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۶۷، ص ۶۸۷۴؛ نیز زبانهای خاموش، یوهانس فریدریش، ترجمه دکتر یدالله نمر - دکتر بدرالزمان قریب - مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵، ص ۳۲-۳۵.

۷. تاریخ مختصر...، ص ۴۳-۴۴.

۸. همان، ص ۳۷-۳۸؛ ۴۱-۴۲.

9. Sophist

10. Zeno

11. Dionysius Thrax

12. Apollonius Dyscolus

13. Philosophical grammars

14. Port Royal Schools

۱۵. تاریخ مختصر...، ص ۹۸-۱۷۰؛ ۲۷۲-۲۷۹؛ ۳۳۲-۳۴۵؛ ۴۲۰-۴۲۱؛ ۴۲۸-۴۷۶.

16. Atomistic

17. Systemic

18. Holistic

19. Model

20. Ferdinand de Saussure

21. Language universals

22. Universal grammar

۲۳. Syntactic Structures؛ ترجمه احمد سمیعی و با عنوان ساختهای نحوی (انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۲).

24. Transformational - generative grammar

25. Aspects of the Theory of Syntax, The MIT Press, Cambridge, Massachusetts, 1965.

26. Linguistic intuition

27. Syntactic component

28. Phonological component

29. Semantic component

30. Standard Theory

۳۱. برای آگاهی بیشتر درباره این تحریر از نظریه چامسکی نگاه کنید به چومسکی، نوشته جان لاینز، ترجمه احمد سمیعی، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷، فصل ۷، به ویژه ص ۹۵-۱۰۰، نگاه کنید به سیر زبان